

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: گونار پشکه*
برگردان: تارنگاشت عدالت
فرستنده: علی مشرف
۱۷ اپریل ۲۰۲۲

خدا کند که گربه باشد... (۲)

ارزیابی از یک ماه عملیات نظامی روسیه در اوکراین



آمادگی روسیه

روسیه به طور دراز مدت در همه سطوح خود را برای این درگیری با غرب آماده کرده بود. مثلاً در قرارداد اعتبارهای دولتی در این اواخر بندی را الحاق کرده بود که بازپرداخت بدهی‌ها و پرداخت بهره‌های حاصل به روبل را ممکن می‌ساخت. روسیه پیشاپیش قیمت گاز را افزایش داده بود و باعث شده بود که ذخایر گازی کشورهای اروپای غربی کاهش پیدا کند. روسیه تحریم‌ها را پیش‌بینی کرده بود و همین‌طور در بخش مالی خود را آماده نموده بود. به احتمال زیاد حتی روسیه خود را آماده کرده تا صدور حامل‌های انرژی خود به اروپای غربی را متوقف کند. اگر سازمان‌های جاسوسی غرب الگوی این زمینه‌سازی‌ها را پیشاپیش نشناخته باشند، ناتوانی خود را آشکار می‌کنند. آنها باید می‌دانستند که روسیه درگیری با غرب را دنبال می‌کند و از دید روسیه اوکراین تنها یک علت است و نه دلیل

این درگیری است و تضعیف اوکراین یک هدف جنبی در مقابل هدف اصلی یعنی تضعیف غرب می‌باشد. اگر سازمان‌های جاسوسی این را درک کرده و دولت‌ها را آگاه ساخته بودند، در آن صورت این به معنای شکست و ضعف این دولت‌ها خواهد بود.

آمدگی روسیه روی هم رفته کافی بود. روسیه توانست پرداخت بهره یک بدهی کهنه دولتی را به دالر انجام دهد. در هفته گذشته بازار بورس مسکو کار خود را اول با حضور ۳۱ شرکت مجدداً آغاز کرد. قیمت سهام حامل‌های انرژی بالا رفت و در این بین در بازار بورس روسیه کلیه سهام معامله می‌شود. اقتصاد و سیستم مالی روسیه شوک پیش‌بینی شده را پشت سر گذارد. غرب ابزار دیگری در اختیار ندارد و قادر هم نیست که این وضعیت را تغییر دهد.

تأثیر تحریم‌های غربی

مستقیماً قبل حمله روسیه به اوکراین و همین طور بعد از آن دولت‌های غربی علناً به چک و چانه زنی پرداختند که کدام تحریم‌ها میسر است و کدام نیست. این چک و چانه زنی‌ها تا هفته پیش ادامه داشت ولی غرب حاضر نبود در این درگیری تا جایی جلو رود که حتی به طور کوتاه مدت هم مجبور به تحمل قربانی سنگینی نشود. در نتیجه غرب قادر نبود خسارت سنگینی به روسیه وارد سازد. تحریم‌ها مانند بسیار از چیزهای دیگر در سیاست‌های جاری غربی تنها روی تأثیرگذاری بر انظار عمومی متمرکز بود و نه دیدگاه‌های واقعی. کاملاً روشن نیست که خسارات اقتصادی ناشی از این تحریم‌ها برای روسیه و یا برای غرب سنگین‌تر خواهد بود. در کوتاه مدت احتمالاً خسارات وارده برای اقتصاد روسیه شدیدتر خواهد بود ولی پس از سرمایه‌گذاری و تحول در اقتصاد در دراز مدت غرب به ویژه اروپا نسبت به روسیه بیشتر تضعیف خواهد شد.

یک نمونه بارز، عقب‌نشینی شرکت‌های غربی از بازارهای روسیه و اقدام علیه نمادهای وضعیتی روس‌های ثروتمند در غرب است. از زمانی که در روسیه افراد ثروتمند و طبقه متوسط مرفه وجود دارد نمادهای وضعیتی تا حد نسبتاً زیادی غرب محور عمل می‌کنند. روشن است که این امر از دید پوتین معضلی را پدید می‌آورد و احتمالاً از دید روسی. ملی حتی حق با اوست. در آینده نمادهای وضعیتی در روسیه دارای ذات روسی خواهد بود که در کوتاه مدت نارضایتی‌هایی را به وجود خواهد آورد ولی در دراز مدت جامعه روس را در مقابل غرب منظم خواهد کرد.

وضعیت درونی روسیه

تعدادی از بهترین روشنفکران نخبه علناً علیه جنگ جبهه گرفتند. برخی از آنان کشور را ترک کردند و برخی دیگر موقعیت اجتماعی خود را از دست خواهند داد و به تبعید درونی روی خواهند آورد و باز تعداد دیگری پس از بحث‌های درونی مرزهای جدید آنچه را که می‌توان علناً مطرح کرد خواهند پذیرفت. دفترنامه و یا «کدکس» آنچه را که می‌توان گفت در هر جامعه‌ای وجود دارد و این دفترنامه در غرب هم نازک‌تر شده است. البته از این نمی‌توان نتیجه گرفت که جامعه باید ساکن شود و درجا زند. چین یک نمونه بارز برای آن است که در کنار جو سیاسی انسدادی، تکامل پرخروش اقتصادی و اجتماعی می‌تواند صورت گیرد. روسیه بخشی از روشنفکران نخبه خود را از دست خواهد داد ولی این هم یک سکه دو روست، زیرا روشنفکرانی که جای‌های خالی شده را پر خواهند کرد، دلیلی برای وفاداری خواهند داشت و علاوه بر آن در روسیه می‌تواند جو خوشبینانه‌ای نسبت به آینده پدید آید زیرا فقدان واردات غربی باید جایگزین شود. سیستم فرهنگی روسیه به قدر کافی خوب است که نیروهای متبحر لازم را به بازار عرضه کند.

تحریم‌های فناوری نیز بی اثر خواهد ماند زیرا چین از کلیه فناوری‌هایی که اقتصاد روسیه به آن نیاز دارد برخوردار است و روسیه می‌تواند آن را در ازای ارائه حامل‌های انرژی که چین شدیداً به آن نیاز دارد، دریافت نماید. در مورد تعداد واقعی قربانیان ارتش روسیه در اوکراین داده‌های معتبری موجود نیست. حتی بالاترین تعدادی که گفته می‌شود برای شرایط روسیه مشکل بزرگی ایجاد نمی‌کند. بخش عمده نیروهای روسیه در اوکراین در حال حاضر در مواضع پدافندی قرار دارند تا از موضع برتر در مذاکرات شرکت کنند. طبیعتاً در این مواضع از تعداد قربانیان کاسته خواهد شد. در مناطقی که جنگ با شدت ادامه خواهد داشت بخش مهمی از قربانیان را جدائی‌طلبان دونباس تشکیل خواهند داد که از دید آنها، آنها برای سرزمین خود مبارزه می‌کنند و همین‌طور مبارزان چین که به فرهنگ شهادت‌طلبی معتقدند. احتمالاً پوتین قبل از این‌که بحث و مذاکره در مورد خسارت‌های انسانی روسیه اجتناب ناپذیر شود، حداقل یک سال وقت خواهد داشت. اگر او قبل از آن بتواند مذاکرات صلح را به انجام رساند، که از دیدگاه روسیه یک پیروزی خواهد بود، خسارات مورد اغماض قرار خواهد گرفت و احتمالاً همین‌طور هم خواهد شد، زیرا نه اوکراین و نه غرب می‌توانند به خود اجازه دهند که انعقاد صلح را این قدر به عقب افکنند.

گزینه‌های غرب

پوتین کماکان ابتکار ستراتیژیک را در اختیار دارد. او تاکنون تشدید اوضاع را کنترل شده ادامه می‌دهد و هنوز می‌تواند مراحل تشدید دیگری را عملی سازد بدون این‌که وضعیت برای او مخاطره‌آمیز شود. به عکس گزینه‌های غربی بسیار محدود است. امکان بیشتری برای اعمال تحریم‌های دیگر تقریباً وجود ندارد و تحریم‌هایی که از نظریه تئوریک هنوز وجود دارد مثلاً متوقف ساختن کامل واردات انرژی، به غرب ویژه به اروپا به مراتب بیشتر از روسیه آسیب وارد خواهد کرد. آنچه که به امور اقتصادی و اقتصاد مالی مربوط می‌شود، این بخشها تا حد اکثر به کار گرفته شده، بدون این‌که برای غرب موفقیت‌های تعیین‌کننده‌ای به همراه داشته باشد.

دخالته مستقیم نظامی (البته با اعلام ستراتیژی مشروط سناریوی خط قرمز استفاده از سلاح کیمیایی و یا بیولوژیک) کماکان رد می‌شود. این رفتار زیاد باورکردنی نیست زیرا غرب در نتایج جنگی اوکراین از نظر نظامی مغلوب خواهد بود. هرچند این نظر با در نظر گرفتن مقاومت نسبتاً موفقیت‌آمیز اوکراین تعجب‌آور به نظر می‌رسد ولی می‌توان آن را استدلال کرد. نیروی هوایی ایالات متحده آمریکا از رودر روی با نیروی هوایی روسیه در سوریه اجتناب کرد. این اقدام به ناپودی تعداد زیادی از جنگنده‌ها خواهد انجامید و علاوه بر این با توجه به پخش و مناطق استقرار دفاع هوایی و پدافند ضد هوایی روسیه در سرزمین اوکراین و به ویژه در مناطق جنگی این کشور تسلط بهتری نسبت به نیروهای غرب خواهد داشت. آنچه که به نیروهای پیاده‌نظام مربوط می‌شود، غرب قادر نیست به اندازه کافی نیرو بسیج نماید تا عملیات تهاجمی در اوکراین را سامان دهد. اینجا نیز باید خسارات انسانی را در نظر گرفت. نیروهای اوکراینی از سرزمین خود دفاع می‌کنند و حاضر به پرداخت هزینه هستند. پس از مدتها که سیاست مداخله نظامی را نفی کرده بود حال ارتش المان باید در یک مبارزه عملاً بی فرجام برای آزادی سرزمینی غریب عمل می‌کرد. چنین گزینه نظامی در غرب وجود ندارد. البته این بدان معنی نیست که سیاستمداران حتماً کنترل اعصاب خود را از دست نخواهند داد. ولی در آن صورت زیان حاصل از آن به مراتب بیش از تحریم‌های بیشتر متوجه غرب خواهد شد و نه روسیه.

تنها گزینه باقیمانده ای که امروز دنبال می‌شود کمک‌های اقتصادی و نظامی به اوکراین است. البته این یک معامله بی صرفه است که البته به علت اشتباهات گذشته غرب اجتناب ناپذیر شده است زیرا که اکنون دیگر نمی‌توان اوکراین را

کاملاً رها کرد. از طرف دیگر باید به دولت اوکراین نیز تفهیم کرد که چارچوب اعتبارات این کشور محدود است و این کشور باید یک راه حل دیپلماتیک برای استقرار صلح پیدا کند، حتی اگر این راه حل، دادن امتیازات دردناک سیاسی و ارضی را طلب کند. در مقابل باید یک برنامه بازسازی اوکراین تضمین شود که ارزانتر از ادامه طولانی جنگ خواهد بود. چنین برنامه‌ای همچنین آینده بهتری را برای اوکراین پس از قبول ضررها، به جای پافشاری و تأکید بر مواضعی که در هر حال نمی‌تواند حفظ شود پابرجا نگاه داشت، باز می‌کند.

واقعاً مسأله بر سر چیست؟

پوتین روز ۲۴ فبروری ۲۰۲۲ یک تصمیم اساسی گرفت، مطمئناً پس از هماهنگ کردن و موافقت چین. این تصمیم به معنای قطع روابط کلی با غرب و به کنار گذاشتن غرب به عنوان یک شریک مهم اقتصادی روسیه بود. پوتین بر این امر واقف بود و همین‌طور اطرافیان عصبی‌تر او نیز این را می‌دانستند. ولی این‌که آیا سازمان‌های جاسوسی و رؤسای دولت‌های غربی از آن اطلاع داشتند یک ماه پس از آغاز جنگ هنوز معلوم نیست. اگر بخواهیم نسبت به واکنشی که دولت‌های غربی از خود نشان دادند، حکم کنیم، باید بگوئیم که آنها درک نکردند و هنوز با جدیت سعی دارند این امر را از ضمیر خود بزدایند.

می‌خواهم با یک نمونه این امر را بشکافم. اگر غرب امتیازات قابل توجهی به روسیه ندهد، قبل از این‌که اروپا بتواند از نظر اقتصادی خود را تثبیت کند، انتقال حامل‌های انرژی از روسیه متوقف خواهد شد. این توقف حتی اگر روسیه از قبل برنامه‌های پیشرفته‌ای برای فروش ظرفیت‌های آزاد شده نداشته باشد آسیب بیشتری به غرب وارد خواهد ساخت. پوتین در جست و جوی راهی است تا تقصیر قطع انتقال حامل‌های انرژی را به گردن غرب بیفکند. اکنون غرب تب‌آلود فعالیت‌هایی انجام می‌دهد تا فقدان حامل‌های انرژی روسی را حتی‌الامکان جبران سازد ولی امکانات زیادی موجود نیست. این طور به نظر می‌رسد که سیاست‌مداران از جدی بودن وضعیت آگاه نیستند. در غیر این صورت مسأله امنیت انرژی اکنون به مراتب رادیکال‌تر و فارغ از مصلحت‌اندیشی‌های ایدئولوژیک دوران قبل از ۲۴ فبروری صورت می‌گرفت. به جای آن ما شاهد کار دولت و مجلس برحسب *business as usual* هستیم. می‌توان فکر کرد که گویی فقط اوکراین با روسیه در جنگ است و نه تمام غرب در یک جنگ ترکیبی با روسیه. هرکس که این‌طور می‌اندیشد، اشتباه می‌کند.

پس نویس (۳۰ مارچ ۲۰۲۲)

پس از تعامل بین روسیه و اوکراین در ترکیه، روسیه اعلام کرد فشار نظامی بر پایتخت، کیف را کاهش بخشیده و نیروهای خود را از آنجا عقب خواهد کشید. طرف اوکراینی ادعا کرد که این اقدام احتمالاً تنها یک جابه‌جایی نیروهاست و این نیروها به بخش‌های دیگر جبهه منتقل خواهند شد. غرب از این نظر اوکراین حمایت می‌کند. در این مورد چه می‌توان گفت؟ درست است که جابه‌جایی نیروهای روس در وضعیت فعلی از نظر استراتژیک منطقی است. ولی این حتماً بدان معنی نیست که این عقب‌نشینی را که در واقع اولین گام جابه‌جایی است، می‌توان گامی برای کاهش تشنج تعبیر کرد. روسیه احتمالاً آن را منوط به روند ادامه‌تعالی و احتمالاً عملیات رزمی خواهد کرد. این احتمال می‌رود که نیروها به آنسوی مرز اوکراین در شمال و به جبهه‌های شرق رود دنیپر، یعنی در نزدیکی خارکیف منتقل خواهند شد. اگر مذاکرات بعدی با سکون مواجه شود و یا اگر طرف اوکراینی بخواهد نیروهای

باقیمانده روسیه در نزدیکی کیف را بشدت مورد حمله قرار دهد و علاوه بر آن آنگاه که ماریوپول سقوط کرد احتمالاً این نیروها حمله گازانبری خود را علیه نیروهای اوکراینی که در جبهه دونباس تجمع کرده اند، آغاز خواهند کرد.

سه شنبه، ۲۳ فروردین [حمل] ۱۴۰۱
برگرفته از: هینترگروند

*- گونار یاشکه کیمیادان و استاد دانشگاه ETH در زوریخ در رشته تشدید پارامغناطیسی الکترون است.